

فرآیندهای واجی
در گونه های زبانی استان کرمان

مؤلف:

سیارزاد امیدیه

(عضو هیئت علمی دانشگاه ولی سرحد فوجان)

ناشر:

مرکز کرمان شناسی با بهکارتی بنیاد ایران شناسی

عنوان و نام پدیدآور: فرآیندهای واجی در گونه‌های زبانی استان کرمان / مولف پریا رزم‌دیده

شایبک: ۶-۵۵-۶۱۷۴-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا یادداشت: واژه‌نامه یادداشت: کتاب‌نامه: ص ۹۴ - ۹۹.

موضوع: زبان‌های ایرانی - ایران - کرمان (استان) - گویش‌ها - نمونه پژوهی

Iranian languages- - Dialects- -Iran- -Kerman (Province)- -Case studies: موضوع

موضوع: نه‌های ایرانی - - ایران - کرمان (استان) گویش‌ها

Iranian Languages- - Dialects- -Iran- -Kerman (Province): موضوع:

ده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۳۶ ر ۷۱ ک ۳۰۲۴ PIR
ده‌بندی دیویی: ۸ ۹ / ۷ فا ۸

شماره کتاب شناس ملی : ۴۹۳۱۰۰۱



فرآیندهای علمی در گه‌های بانی استان کرمان

پریا رزم دیدہ

مرکز کرمان شناسی و همکاری بنیاد ایران شناسی

سید محمد علی گلاب زار،

دویست و پنجاه و شش (۵۶).

لیلا گھر گزی

محمد کرمی راویز

97A-6.-6174-55-6

اول - ۱۳۹۹

۲۰۰۰۰ ریال

۵۰۰ نسخه

چاپ ہنگام

آدرس: کرمان - خیابان ابن سینا - رویه روی بیمارستان ارجمند - مرکز کرمان شناسی ۴-۵۸۱۳۲۶۹۰۳۴

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه ناشر.....
۱۳.....	پیشگفتار.....
۱۵.....	فصل اول: معرفی استان کرمان.....
۱۷.....	مقدمه.....
۱۷.....	۱-۱- بافت.....
۱۸.....	۱-۲- بردسیر.....
۱۸.....	۱-۳- بم.....
۱۹.....	۱-۴- جیرفت.....
۲۰.....	۱-۵- رابر.....
۲۰.....	۱-۶- رفسنجان.....
۲۱.....	۱-۷- رودبار جنوب.....
۲۲.....	۱-۸- زرنند.....
۲۲.....	۱-۹- سیرجان.....
۲۳.....	۱-۱۰- شهرابک.....
۲۳.....	۱-۱۱- کرمان.....
۲۴.....	۱-۱۲- کهنوج.....
۲۴.....	۱-۱۳- گلباف.....
۲۵.....	۱-۱۴- گوهر.....
۲۵.....	۱-۱۵- میمند.....
۲۷.....	۲- وضعیت گونه‌های زبانی استان کرمان در نمودار زبان‌های ایرانی.....
۳۱.....	فصل دوم: فرآیند تضعیف در گونه‌های زبانی استان کرمان.....

۳۳	 مقدمه
۳۳	 ۲-۱- فرآیند تضعیف
۳۵	 ۲-۱-۱- حذف
۳۶	 ۲-۱-۱-۱- حذف همخوان پایانی
۵۹	 ۲-۱-۱-۲- حذف همخوان میانی
۶۲	 ۲-۱-۱-۳- حذف همخوان از خوشه دو همخوانی
۶۳	 ۲-۱-۱-۳-۱- حذف همخوان انسدادی، تیغهای و بی‌واک /t/ پایانی از خوشه دو همخوانی /-ft/
۶۳	 ۲-۱-۱-۳-۲- حذف همخوان انسدادی، تیغهای و بی‌واک /t/ پایانی از خوشه دو همخوانی /-xt/
۶۴	 ۲-۱-۱-۳-۳- حذف همخوان انسدادی، تیغهای و بی‌واک /t/ پایانی از خوشه های دو همخوانی /-st/ و /-ft/ در ر در تکواژ
۶۶	 ۲-۱-۱-۳-۴- حذف همخوان انسدادی، تیغهای و واک دار /d/ پایانی از خوشه های دو همخوانی /-nd/ و /-zd/ یا در مرز
۷۱	 ۲-۱-۱-۴- حذف هجا
۷۶	 ۲-۱-۱-۴-۱- حذف توالی واکه و سایش چاکایی (Vh)
۷۷	 ۲-۱-۱-۴-۲- حذف توالی سایش چاکایی /h/ واکه بعد از آن (hV)
۷۸	 ۲-۱-۱-۴-۳- حذف توالی انسداد چاکایی /ʔ/ واکه بعد از آن (ʔV)
۷۹	 ۲-۱-۱-۴-۴- حذف توالی غلت /z/ واکه بعد از آن (zV)
۸۰	 ۲-۱-۱-۴-۵- حذف هجای /ne/ در گونه های بافتی و جیرفتی
۸۱	 ۲-۱-۲- سایشی شدگی
۸۲	 ۲-۱-۲-۱- تناوب پیشوند /bar-/ و /var-/ (فرآیند تاریخی)
۸۳	 ۲-۱-۲-۲- تبدیل همخوان انسدادی /b/ به جفت پیوسته خود [v] در جایگاه، میان دو واکه، پایانه هجا، پایان واژه (و به ندرت در آغاز هجا یا ابتدای واژه).
۸۹	 ۲-۱-۲-۳- تبدیل همخوان انسدادی و دولبی /b/ به همخوان پیوسته [f] در جایگاه پایانه هجا، پایان واژه و میان دو واکه.

- ۴-۱-۲- تبدیل همخوان انسدادی، ملازی و واکدار /G/ به همخوان پیوسته [X] در جایگاه پایانه هجا و پایان واژه ۹۱
- ۵-۱-۲- تبدیل همخوان تیغهای انسدادی /d/ به همخوان سایشی [Z] در جایگاه پایانه هجا، پایان واژه و میان دو واکه ۹۳
- ۶-۱-۲- تبدیل همخوان انسداد چاکنایی /ʔ/ به سایش چاکنایی [h] در جایگاه ابتدای واژه، پایانه هجا، پایان واژه و میان دو واکه ۹۵
- ۷-۱-۲- تبدیل /t/ به [S] در مجاورت همخوان /s/ ۹۶
- ۳-۱-۳- تبدیل همخوان سایشی یا انسدادی به همخوان ناسوده ۹۸
- ۱-۳-۱- تبدیل همخوانهای سایشی /v/ و /f/ به غلت ناسوده [w] در جایگاه پایانه هجا و پایان واژه ۹۹
- ۲-۱-۳- تبدیل همخوان انسدادی /b/ به غلت ناسوده [w] در جایگاه پایانه هجا و پایان واژه ۱۰۰
- ۳-۱-۳- تبدیل همخوانهای انسدادی یا سایشی به غلت ناسوده [j] در جایگاه میان دو واکه، پایانه هجا و پایان واژه ۱۰۵
- ۴-۱-۲- همگونی همخوان خیشومی و انسدادی ۱۰۷
- ۱-۴-۱- تبدیل توالی /-nb/ به [-mm] در سرز دو هجا ۱۰۸
- ۲-۱-۴- تبدیل توالی /-nd/ به [-nn] در سرز دو هجا ۱۱۴
- ۵-۱-۲- واکدارشدگی ۱۱۶
- ۶-۱-۲- تبدیل همخوان سایشی به خیشومی (رسا) در جایگاه پایان واژه یا میان دو واکه ... ۱۱۹
- ۷-۱-۲- غیردانهی شدگی یا کاهش به یک همخوان چاکنایی ۱۲۲
- خلاصه فصل ۱۲۵
- فصل سوم: فرآیند تقویت در گونه های زبانی استان کرمان ۱۲۷
- مقدمه ۱۲۹
- ۳-۱- فرآیند تقویت ۱۲۹
- ۱-۱-۳- درج واحد آوایی ۱۳۰
- ۱-۱-۳-۱- درج انسداد چاکنایی /ʔ/ در جایگاه آغاز هجا یا واژه هایی که با واکه شروع می شوند ۱۳۰
- ۱-۱-۳-۲- درج غلت های /j/ و /w/ ۱۳۴
- ۲-۱-۳- انسدادی شدگی ۱۴۰

- ۱-۲-۳- تبدیل همخوان پیوسته، لبی و واک‌دار /v/ به همخوان انسدادی و لبی [b] یا [p] در جایگاه آغاز هجا یا ابتدای واژه ۱۴۰
- ۳-۱-۳- تبدیل همخوان رسا به انسدادی در جایگاه آغاز هجا ۱۴۲
- ۳-۱-۴- تبدیل همخوان خیشومی به سایشی در جایگاه آغاز هجا ۱۴۳
- ۱- تناوب میان همخوان تیغه‌ای و واک‌دار /d/ و جفت بی‌واک [t] در جایگاه پایانی واژه (فرآیند تاریخی) ۱۴۵
- ۲- تناوب میان پسوند /-ban/ و /-pon/ و همخوان‌های /b/ و /p/ در جایگاه پایانی واژه ۱۴۸
- خلاصه فصل ۱۵۰
- واژه‌نامه (رسی - انگلیسی) ۱۵۱
- واژه‌نامه (انگلیسی - رسی) ۱۵۶
- منابع ۱۶۰

مقدمه ناشر

از جمله بازمانده‌های گرانسنگ و ارزشمند هر جامعه، زبان و گویش و لهجه است که پاسداری از آن‌ها به عنوان دستاوردی سترگ به ویژه برای اندیشمندان و دل‌آگاهان به شمار می‌رود. اگرچه سه واژه یاد شده یعنی زبان و گویش و لهجه، به ظاهر یک معنی را می‌آورند، اما دارای سه جایگاه گوناگون هستند که به دلیل پرهیز از بلندی و شتاب از گزارش آن درمی‌گذرم اما بر این خاستگاه، پای می‌فشارم که هر سه دارای جایگاهی بلند و ارزشی هستند، تا آنجا که بسیار شنیده‌ایم که «پارسی را پاس بداریم» ریشه‌ای که برای پاسداری از آن، بزرگمرد سخن، فردوسی فرزانه، بیش از سی سال از زندگی خود را بر سر پاسداشت آن گذاشت و عجم، بدین پارسی زنده کرد و بر ماندگار کرد. با همه وجود از آن پاسداری کنیم، به ویژه تا جایی که می‌توانیم، از واژه‌ها و ساز و برگ‌ها - فارسی بهره ببریم و از به کار بردن سخن بیگانه چه غربی و چه عربی بپرهیزیم.

در کنار زبان فارسی، گویش‌هایی است که هر یک از گذر هزاران ساله روزگار گذشته و به دست ما رسیده است، اگرچه امروز به انگیزه حضور گسترده رسانه‌های گروهی، به ویژه رادیو تلویزیون، گویش‌ها و لهجه‌ها هر دو کمرنگ شده‌اند، اما از یاد نبریم که نگاهداری این هر دو بسیار ارزشمند و بایسته است.

بکشیم تا رنگ ریشخند از آن‌ها بزدانیم و جایگاهشان را به خوبی نگاهداریم، بر آن نیستم تا بر نگاهبانی از برخی گفته‌های طنزآلود پافشاری و بهره‌گیری از تزگو و شغز و چقاریدن - که شاید سال‌ها بگذرد و یکبار هم کاربرد نداشته باشد- سفارش کنم، اما در این میان هستند واژه‌ها و گفته‌هایی که زیبایی و شایسته‌ای دارند، کدام واژه را زیباتر از بشن /bafn/ می‌شناسید و ...

در مورد لمجه نیز همین‌گونه و ارزش آن تا آنجاست که از دیرباز گفته‌اند «از شهر خود برو، از لفظ خود نرو» و چه بسیار بزرگانی را می‌شناسیم که اگرچه ده‌ها سال است این دیار را پشت سر گذاشته‌اند، اما هنوز لهجه شیرین خود را نگاه داشته‌اند. یاد استاد باستانی پاریزی گرامی باد که می‌گفت پنجاه سال است در بیرون شهر و دیارم کرم، گویش و لهجه کرمانی را به کار برده‌ام و هرگز کسی آن را به ریشخند نگرفته است.

دوست بزرگوار و همشهری نامورمان خوشکرامی کرمانی - که او نیز بیش از پنجاه سال دور از شهر و دیار خود زندگی می‌کرد - نه تنها از شهر خود رفته و از لفظ خود نرفته، بلکه گه‌گاه از گویش پرمایه و شیرین کرمانی بهره می‌برد و چگونگی آن را بازگو می‌کند، بی‌آنکه ترسی از ریشخند دیگران داشته باشد آن گونه که بارها این رفتار مرادی را دیده و او را ستوده‌ام. پس فراموش نکنیم که می‌توان پاسدار ارزش های کهن خود - در راستای گویش و زبان - بود و از پس‌آمدهای آن نیز هراسی به دل راه نداد.